

# گزارش برگزاري كنگره فوق‌العاده (12) سازمان اتحاد فدائيان خلق ايران



كنگره فوق‌العاده سازمان اتحاد فدائيان خلق ايران، كنگره 12، در اواسط خرداد ماه 1394 ( اواخر ژوئن 2015 ) برگزار شد. كنگره، با اعلام يك دقيقه سكوت با ياد و خاطره جانبختگان راه آزادي از طرف هيئت رئيسته موقت، كار خود را آغاز كرد.

پس از گزارش هيئت رئيسته موقت در مورد وضعيت اعضا و اعلام رسميت كنگره، با توجه به اين كه تنها يك موضوع، تصميم گيري در مورد «پروژه شكلگيري تشكّل بزرگ چپ» كه بر اساس نقشه راه مهلت دوساله آن به پايان رسيده بود و بر اساس فراخوان مشترك مي‌بايست سازمانهاي شركت كننده در اين پروژه پيرامون حاصل كار تصميم ميگرفتند، كنگره با انتخاب هيأت رئيسته دائم وارد بحث دستور كار خود شد.

پس از دو دور بحث پيرامون موضوع و شنيدن نظرات مختلف در مورد توقف يا ادامه اين پروژه، بحث حول پيشنهادات مختلف متمرکز شد و نهايتاً شش پيشنهاد به صورت قطعنامه به رای گيري گذاشته شد. در جريان رای گيري هيچ پيشنهادی رای كافي بدست نياورد.

حاصل رایگيري چنين بود:

پيشنهاد شماره يك = 46 درصد آراء

پيشنهاد شماره دو = 40 درصد آراء

پيشنهاد شماره سه = 37 درصد آراء

پيشنهاد شماره چهار = 24 درصد آراء

پیشنهاد شماره پنج = 49 درصد آراء

پیشنهاد شماره شش = 49 درصد آراء

به دنبال روشن شدن نتیجه رای گیری پیرامون قطعنامه های پیشنهادی، بحثها حول راه جوئی برای خروج از وضعیت نامشخص متمرکز شد. به طور عمده سه پیشنهاد طرح شد:

موضوع به کنگره بعدی موکول شود. در این فاصله کمیته مرکزی بحث های درون سازمان را حول موارد اختلاف و دستیابی به یک پلاتفرم نظری - سیاسی سامان دهد و کنگره آتی تکلیف این مسئله را روشن کند.

سازمان حول ادامه یا توقف این پروژه به دو بخش تقسیم شده است. سازمان به کار خود ادامه دهد و آن بخشی که موافق ادامه پروژه است، هم زمان این پروژه را ادامه دهد و ضمن اطلاع رسانی مداوم به سازمان، حاصل کار پس از یک دوره شش ماهه به رای تشکیلات گذاشته شود.

کمیسیونی تشکیل شود و تلاش کند تا ظرف یک ماه به تفاهم و توافق رسیده و راه حل واحدی را ارائه دهد. در کنار این پیشنهادات، رفیقی هم پیشنهاد کرد که با توجه به حد اختلافات و دویاره شدن سازمان، خوب است که دوستانه از هم جدا شده و سازمان به دو بخش مجزا تقسیم شود. بحث حول این پیشنهادات تا پاسی از شب به طول انجامید و نهایتاً قرار شد تا پیرامون آنها رای گیری شود. پیشنهاد دوم، نوعاً یک تصمیم فراکسیونی بود و با مشکل عدم تطابق با اساسنامه روبرو شد و مورد اعتراض برخی از شرکت کنندگان در کنگره قرار گرفت. نهایتاً پیرامون این مشکل رای گیری شد و نقض اساسنامه و نقض نادیده گرفتن بند اساسنامه رای آورد و مشکل قانونی از پیش پای رای گیری پیشنهاد دوم برداشته شد. پیشنهاد اول، تعلیق پروژه وحدت و واگذار کردن آن به کنگره بعدی، با 38 درصد آراء پذیرفته نشد. پیشنهاد دوم، رفقای موافق ادامه پروژه وحدت این تلاشها را پیش برند نیز با کسب 38 درصد آراء رای نیاورد. نهایتاً پیشنهاد سوم، تشکیل یک کمیسیون با 53 درصد آراء به تصویب رسید و کنگره پس از انتخاب اعضاء کمیسیون به کار خود پایان داد. رفیق پیشنهاد دهنده تقسیم سازمان به دو پاره، با توجه به نتایج رای گیری پیشنهاد خود را به رای نگذاشت. کمیسیون منتخب کنگره فوق العاده پس از یک ماه نیم طی گزارش کوتاهی اعلام کرد که: «رفقای گرامیکمیسیون کنگره، در طول یک ماه نیم گذشته پنج جلسه بحث و گفتگو داشت. از ابتدا تلاش کرد تا با توجه به این که کنگره فوق العاده نتوانست به تصمیم مشخصی پیرامون توقف یا ادامه پروژه «شکل دهی تشکل بزرگ چپ» برسد، به راه حلی برای حل این مسئله دست یابد. در کنگره دو نظر در مقابل هم قرار گرفت، توقف پروژه، به این دلیل که چشم اندازی برای آن متصور نبود، و ادامه آن برای یک مدت معین با این ارزیابی که امکان رسیدن به یک نتیجه معین از سوی بخشی از رفقا دیده می شد. در اولین نشست کمیسیون پیشنهاد شد تا برای یافتن یک راه حل مشترک از پیشنهاد رفیق پرویز در کنگره کار را آغاز کنیم. ایده اصلی این بود که بخش عمده رفقای موافق ادامه پروژه وحدت آن را منوط به شروط معین و خط قرمزهایی می کنند، و این زمینه ای است که شاید با توافق حول خط قرمزها، اکثریت اعضاء سازمان حول این خط قرمزها به تفاهم رسیده و زمینه بیشتری برای یافتن یک پاسخ مشترک برای سرنوشت پروژه وحدت فراهم شود. دو جلسه تلاش و گفتگو برای این راه حل حاصلی نداشت و توافقی بدست نیامد. رفیق مسعود از همان ابتدا طرح می کرد که تنها راه پاسخگوئی به این وضعیت یافتن یک راه حل اجرائی است، که اجازه دهد تا ن بخش از رفقا که با ادامه این پروژه موافق هستند، آن را در کادر سازمان دنبال کنند. این همان طرح رفیق بود که در کنگره رای نیاورد. این بار رفیق با توجه به گفتگوهای که در خارج از کمیسیون با رفقای داشته بود و با استفاده از نظر آنها طرحی را ارائه کرد که ضمن آن که به صورت رسمی صحبتی از دو بخش سازمان و ادامه کار توسط رفقای موافق ادامه روند پروژه وحدت نمی کرد، ولی سازمان را موظف می کرد «حداکثر تا 6 ماه نتایج ابتکاراتی را که در مورد این پروژه تهیه شود» را بررسی کرده و در مورد آن نظر دهد. از نظر رفیق طبعاً رفقای که موافق پروژه وحدت بودند تلاش می کردند که موضوع را دنبال کرده و پیشنهادات راهگشائی ارائه کنند و کمیته مرکزی هم مسئول گرفتن این پیشنهادات و سازماندهی نظرخواهی از رفقا بود. جلسه از رفیق خواست تا این پیشنهاد را کتبی ارائه کند. رفیق پیشنهاد خود را کتبی برای همه فرستاد. همزمان رفیق محمود نیز پیشنهاد خود را ارسال کرد که ناظر بود بر توقف پروژه از یک سو و از سوی دیگر کمیته مرکزی را مکلف می کرد تا ضمن پیشبرد وظائف جاری، تدارک بحث فعال و فشرده ای، پیرامون مبانی برنامه ای، اساسنامه ای و سیاسی، و بطور مشخص پیرامون استراتژی سیاسی، را

سازماندهی کرده و در مهلتی شش ماهه، کنگره سازمان را برای تصمیم گیری در این زمینه برگزار کند. این دوپیشنهاد نیز در کمیسیون مورد توافق قرار نگرفت. نهایتاً کمیسیون پس از یک ماه و نیم گفتگو و تلاش نتوانست به پیشنهادی مورد توافق که شانس اقبال عمومی تشکیلات را داشته باشد، دست یابد. و در نتیجه کمیسیون در این مرحله به کار خود پایان داد. کمیسیون منتخب کنگره فوق العاده / 29 ژوئیه 2015» بدنبال گزارش کمیسیون، هیات رئیسه کنگره نیز پایان کار خود را اعلام کرد. **پیوست‌ها پیشنهاد شماره یک** = رفیق پرویزکنگره فوق العاده سازمان با تأیید مشترکات مورد توافق تدوین کنندگان منشورها به اضافه مضمون پیشنهاداتی که در بندهای 7، 9، 11، 12، 14 سند اشتراکات اضافه شده، ادامه مذاکره با دو جریان دیگر و کنشگران چپ را به مدت 6 ماه برای رسیدن به توافقی که بتواند امکان ایجاد یک تشکیلات واحد را بوجود بیاورد، تمدید می‌کند. در پایان شش ماه نتیجه مذاکرات و توافق حاصل شده در اختیار رفقای تشکیلات قرار خواهد گرفت تا نظر نهائی خود را ارائه دهند

## اشتراکات در منشورها

1. ما، بخشی از سازمان های سیاسی چپ و جمعی از کنشگران

چپ ایران، دست به وحدت و ایجاد یک تشکل چپ دموکرات و سوسیالیستی می‌زنیم. نقطه عزیمت این حرکت از جمله بر پایه گسست از سیستم فکری و عمل کردی "سوسیالیسم واقعاً موجود" و اعتقاد به جدائی ناپذیری سوسیالیسم از دموکراسی است. 2. ما در مبارزه ای که هم اکنون در نظام سرمایه‌داری جهانی میان کار و سرمایه جریان دارد، در جانب کار قرار داریم؛ بر رفع تبعیض های طبقاتی، جنسیتی، ملی - قومی، نژادی و مذهبی تأکید داریم. ما به آزادی، دموکراسی، برابری، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم باورمندیم و برای تحقق آن ها در ایران مبارزه می‌کنیم حقوق بشر، دموکراسی، برابر حقوقی زن و مرد و حفظ محیط زیست، از اصول پایه ای برنامه ما و جزو ارزش های ما می‌باشند. 3. ما مخالف و ناقد مناسبات سرمایه‌داری هستیم و براین باوریم که سرمایه‌داری آخرین نظام اقتصادی - اجتماعی و پایان شکل‌بندی تاریخی نیست. تلاش بشریت برای دستیابی به جامعه مطلوب ادامه دارد. تداوم بحران های ادواری و ساختاری سرمایه‌داری همراه با نیاز حیاتی آن به توسعه ی جهان‌گستر برای سودآوری هر چه بیشتر، از دهه هشتاد سده گذشته مرحله جدیدی را در سرمایه‌داری، همراه با سلطه بیشتر سرمایه مالی، گشوده است که به نئولیبرالیسم مشهور است. این روند با شتابی روز افزون بر نابرابری و شکاف اجتماعی و انباشت ثروت در دست لایه نازکی از جمعیت می‌افزاید، از میزان خدمات عمومی و تامین اجتماعی می‌کاهد و سلطه سرمایه مالی و انحصارات را بر تمام وجوه حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و خصوصی گسترش می‌دهد. با جهانی شدن سرمایه‌داری و برقراری نظم جدید نئولیبرال در عرصه بین‌المللی، نه تنها فقر و عقب‌ماندگی نسبی، میلیتاریسم، انواع تبعیض‌ها و نابرابری‌های اجتماعی، چه در سطح یک کشور و چه در بین کشورها (شمال و جنوب)، ابعاد بی‌سابقه‌ای به خود گرفته است، بلکه تغییرات ناشی از تراکم گازهای گلخانه‌ای در جو زمین، تخریب اکوسیستم، آلودگی‌های فزاینده محیط زیست که محصول مستقیم اشکال تولید و مصرف در سرمایه‌داری گلوبالیزه است، به بحران سرمایه‌داری ابعاد جدیدی بخشیده و وقوع یک فاجعه اکولوژیک را در چشم‌انداز آینده بشریت قرار داده است. از یک سو در پرتو فرآیند جهانی شدن، دست‌آورد هائی حاصل می‌شوند که می‌توانند در خدمت انسانی کردن زندگی در راستای آرمان‌ها و ارزش‌های انسانی قرار گیرند و از سوی دیگر این دست‌آوردها به جهت خصلت سرمایه‌دارانه، سلطه‌گری دولت‌های بزرگ، انحصارات بین‌المللی و به ویژه انحصارات مالی بین‌المللی و سپردن فرآیند جهانی شدن به بازار به عنوان سامان‌دهنده روندها، عدم مشارکت و مداخله دموکراتیک اکثریت عظیم مردمان جهان، این فرصت‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد. ما مخالف جهانی سازی نئولیبرالیستی هستیم که از جانب جریان های راست نو، دولت های محافظه کار، شرکت های فراملیتی، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به نفع اقلیت ثروتمند و به زیان اکثریت جامعه بشری به پیش برده می‌شود. ما همراه با جنبش‌های اجتماعی و نهادهای غیردولتی، به عنوان جزئی از جنبش بین‌المللی سوسیالیستی علیه نظم موجود و برای جهانی دیگر مبارزه می‌کنیم. 4. از نگاه ما سوسیالیسم به معنای رهائی انسان از طریق نقد و نفی مناسبات سرمایه‌داری است. سوسیالیسم مورد نظر ما امری است آگاهانه برای دستیابی به جامعه مطلوب و انسانی که به مثابه یک فرایند با ایجاد و گسترش ارزشهای سوسیالیستی و مشارکت دموکراتیک و آزادانه نیروهای ذینفع در تحول سوسیالیستی شکل می‌گیرد. برای ما نظام سوسیالیستی مبین یک تحول بنیادی و دموکراتیک در عرصه های اقتصادی و اجتماعی و نیز در مناسبات انسان امروز با طبیعت است. سوسیالیسم با دموکراسی و آزادی در پیوند تنگاتنگ قرار دارد. سوسیالیسم بر پایه دموکراسی، ژرفش و گسترش پیوسته آن در جهت دموکراسی مشارکتی و مستقیم و حداکثر مشارکت مردم در اداره جامعه و در تصمیم گیریهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، با سازماندهی دموکراتیک اقتصاد و توزیع قدرت، ثروت، فرصتها و اطلاعات برای همگان استوار خواهد

بود. سوسیالیسم مورد نظر ما در یک کلام "به جای جامعه‌ی کهن بورژوازی، با طبقات و تناقضات طبقاتی‌اش، اجتماعی از افراد در مشارکت با هم شکل می‌گیرد که در آن تکامل آزادانه‌ی هر فرد شرط تکامل آزادانه‌ی همگان باشد" (مانیفست کمونیست). ۵. ما طرفدار دموکراسی و مخالف هر گونه استبداد و دیکتاتوری هستیم. حاکمیت را ناشی از اراده مردم توسط مردم و برای مردم می‌دانیم. به رای و انتخاب آزادانه مردم، به محدودیت زمانی قدرت و پلورالیسم سیاسی پای بندیم. ما به عنوان نیروی چپ و سوسیالیست برای تعمیق و گسترش دموکراسی انتخابی به دموکراسی مشارکتی و مستقیم در اشکال مختلف خودگرانی و خود مدیریتی مبارزه می‌کنیم. ۶. جمهوری اسلامی دولتی است سرمایه داری و استبدادی، سرکوبگر و دشمن آزادی، حقوق بشر، دموکراسی که فساد در تاروپود آن ریشه دوانده است و در اساس با تکیه به رانت نفتی، ارگان‌های امنیتی و نظامی و گروه‌های سازمان یافته که از رانت حکومتی بهره می‌گیرند، به سلطه سیاسی خود تداوم می‌بخشد. جمهوری اسلامی دولتی دین سالار است و با تلفیق دین و دولت و ساختار مبتنی بر ولایت فقیه و قانون اساسی تبعیض آمیز مبتنی بر شیعه اثنی عشری، مانع اعمال اراده مردم، حق حاکمیت و حق انتخاب آنان برای تعیین سرنوشت خویش می‌باشد و در واقع وجود آن در تضاد با دموکراسی و سد راه تکامل و تحول دموکراتیک در جامعه ایران است. ۷. از ویژگی‌های سرمایه داری ایران در دوره جمهوری اسلامی، رشد لجام گسیخته، تقویت خصلت تجاری و دلالی، تشدید رانت خواری و فساد، رواج گسترده‌ی اقتصاد زیرزمینی، شکل‌گیری بنیادهای خارج از نظارت و کنترل دولت و با مالکیت نامتعیین، تبدیل شدن سپاه پاسداران به یک کارتل بزرگ اقتصادی است. در این دوره مداوما لایه‌های جدیدی از بورژوازی با استفاده از قدرت و رانت خواری، پا به حیات گذاشته اند که برسر بهره‌گیری از رانت حکومتی و تصاحب سهم بیشتر، در چالش با یکدیگر هستند. بورژوازی ایران از لایه‌های مختلف تشکیل شده است: بورژوازی تجاری و دلالی سنتی، صنعتی، مالی، مستغلات، نظامی و گروه نوظهور بورژوازی تجاری و دلالی. اتکا به اقتصاد تک محصولی، واردات بی حساب و کتاب، تشدید تعرضات ضد کارگری (سرکوب آزادی‌های دموکراتیک و ممانعت از تشکیل گروه‌های مستقل کارگری)، پائین نگه داشتن حداقل دستمزدها و گسترش قراردادهای موقت و سفید امضا و تحدید هر چه بیشتر خدمات اجتماعی، مهم ترین مشخصه‌های آن به شمار می‌روند. ۸. ما برای گذار از جمهوری اسلامی به یک جمهوری دموکراتیک مبتنی بر جدایی دولت و دین عدالت اجتماعی و حفظ محیط زیست با چشم انداز سوسیالیستی مبارزه می‌کنیم. برکناری جمهوری اسلامی نیازمند سازمان‌یابی و به میدان آمدن اکثریت مردم، کارگران و زحمتکشان، مزد و حقوق بگیران، فرودستان و اقشار و نیروهای آزادی خواه و دموکرات است. روش راهبردی ما برای گذار، بر بسیج وسیع منابع و پایگاه اجتماعی چپ در میان کارگران، زحمتکشان و مزد و حقوق بگیران جامعه استوار است. ما بر تدوین قانون اساسی جدید توسط مجلس موسسان تاکید داریم. ۹. ما طرفدار مبارزه مسالمت آمیز هستیم از تمامی ابتکارات مبارزاتی مردم متناسب با شرائط و سطح رشد جنبش آن‌ها بهره می‌گیریم. ما کاربست دیگر اشکال مبارزاتی برای گذار از جمهوری اسلامی را حق مردم می‌دانیم. روند گذار به جمهوری دموکراتیک، می‌تواند به یکی از اشکال مختلف گذار و یا ترکیبی از چند شکل متفاوت، صورت پذیرد. ما ضمن به رسمیت شناختن حق مردم در انتخاب اشکال دموکراتیک گذار، می‌کوشیم از طریق تبلیغ، ترویج و سازمانگری مبارزه به شیوه مدنی و علنی، به سهم خود در تقویت و تثبیت آن موثر بیفتیم. ما در قبال هیچ شکلی از گذار احتمالی ولو نا خواسته و ناهمخوان با گذار پیشنهادی‌مان منفعل نخواهیم ماند، اما خود، کنشگر و سازمانگر مبارزه خشونت پرهیز و مدنی هستیم. هدف ما سامان دادن بر انتقال قدرت به مردم و منتخبین آن‌ها با شیوه‌ای دموکراتیک و با کمترین آسیب به هستی آنان است. ۱۰. اهرم ایجاد تحولات بنیادین در جامعه، مبارزات مردم بر بستر جنبش‌های اجتماعی، و گسترش نهادهای مدنی و حق طلبانه است. جنبش زنان، جوانان و جامعه مدنی که خواهان آزادی، برابری، دموکراسی و مخالف تبعیض در هر شکلی می‌باشند، جنبش کارگران و زحمتکشان که علیه بیکاری، بی‌حقوقی و بی‌ثباتی شغلی، قراردادهای اسارت بار و سرکوب و برای ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری مبارزه می‌کنند، و جنبش دموکراتیک ملیت‌ها و اقوام ساکن ایران که خواهان حقوق برابر در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند، به همراه نیروهای سیاسی آزادی طلب و دموکراسی خواه می‌توانند توازن قوای کنونی را در هم ریخته، گذار به یک جامعه آزاد و عادلانه را هموار سازند. ۱۱. مبارزه برای برگزاری انتخابات آزاد به عنوان شعاری فراگیر، بسیج‌گر و پوشش دهنده نیروهای مخالف و منتقد جمهوری اسلامی وجهی از استراتژی ماست. ما بر تامین شرائط انتخابات آزاد، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی فعالیت احزاب مخالف نظام حاکم، آزادی مطبوعات پای می‌فشاریم. ما در کارزارهای انتخاباتی، با خواست برگزاری انتخابات آزاد، بهره‌گیری از فرصت‌های ممکن دخالت می‌کنیم و اقدامات حکومت برای کنترل بر آراء شهروندان و برگزاری انتخابات فرمایشی را افشا می‌کنیم. ۱۲. ما بر تمرکز قوا علیه رکن اصلی این نظام یعنی ولایت فقیه و بر شعار برکناری ولی فقیه از اریکه قدرت تاکید



داریم. ما بهره‌گیری از تناقض بین ولایت و جمهوری در این نظام را در خدمت تقویت جمهوری خواهی در کشور دانسته و تعمیق بردن شکاف‌های درون حکومتی در مواجهه با مطالبات جامعه را، به سود مبارزه مردم علیه حاکمیت استبدادی می‌دانیم. به باور ما، نفوذ اصلاح طلبی در این حکومت، امتداد و بازتاب مقاومت جامعه مدنی و اپوزیسیون دموکراتیک است در شکل تحمیل بر حکومتگران و در نتیجه مثبت؛ ما بر آنیم که هر میزان از پس نشانیدن ولایت فقیه و اقتدارگرایان، گامی است به جلو برای جامعه در مبارزه‌اش علیه استبداد دین سالار. از اینرو، از هر اصلاح مفید به حال مردم در حکومت استقبال کرده، با پایداری بر موضع اپوزیسیونی و مستقل خود، با آن همراهی و همگامی می‌کنیم؛ ما و اصلاح طلبان حکومتی دو هدف استراتژیک متفاوت داریم، راهبردهای سیاسی ما و آنان، ولو مشترک در این یا آن مطالبه و مبارزه، اساساً در رقابت با همدیگر قرار دارد. ما اپوزیسیون همه جریاناتی هستیم که از قانون اساسی موجود، تلفیق دین و دولت و جمهوری اسلامی دفاع می‌کنند. ما مخالف نظام جمهوری اسلامی هستیم و در عین همسوئی با اصلاح طلبان درون این نظام، در این یا آن عرصه معین در مبارزات روزمره مردم، همواره اپوزیسیون این نظام بوده و بر ضرورت عبور از آن تاکید می‌کنیم. ۱۳. جمهوری پیشنهادی ما جمهوری ای دموکراتیک است و بر اصل جدائی دولت و دین، تفکیک قوای سه‌گانه، استقلال رسانه‌ها، تناوب قدرت و انتخابی بودن مقامات، نفی حکومت دینی و مسلکی و ساختار سیاسی و اداری غیرمتمرکز، و پلورالیسم متکی است. در این جمهوری مذهب رسمی وجود ندارد و در تدوین قانون اساسی و دیگر قوانین جاری کشور به احکام دین و شریعت ارجاع داده نمی‌شود. ما با تاکید بر منشور جهانی حقوق بشر و ملحقات آن، مدافع لغو حکم اعدام و مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی هستیم ۱۴. لازمه گذار به دموکراسی، انحلال دستگاه‌های سرکوب سیاسی، امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی، ایجاد تغییرات بنیادی در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور و بازپس‌گیری دارائی‌های به غارت رفته مردم توسط حکومت و نهادهای وابسته به روحانیت است. سیاست ما آموزش و جلب اعضا و کارکنانی است که در استخدام این ارگان‌ها بوده‌اند. ۱۵. تلاش برای نزدیک کردن نیروهای جمهوری خواه، دموکرات و سکولار. لائیک و فراهم آوردن زمینه‌های لازم جهت شکل دادن به یک ائتلاف گسترده سیاسی میان آنان، از مولفه‌های اصلی استراتژی (راه کار) سیاسی ما محسوب می‌شود. سیاست ما در این راستا بر اتحاد گسترده و ممکن با دیگر نیروهای چپ و سوسیالیست؛ ائتلاف با نیروهای دموکراسی خواه و آزادی طلب حول جمهوریت، جدائی دولت و دین و رعایت حقوق بشر است. ۱۶. ما از آزادی سازمانیابی گروه‌های اجتماعی، تشکیل سندیکاها، کارگری، تشکلهای صنفی و سازمان‌های غیردولتی و فعالیت آزادانه احزاب سیاسی، آزادی رسانه‌ها، گردش آزادانه اطلاعات و حق دسترسی مردم به آن، آزادی عقیده، بیان، مذهب، هنر، ادبیات، برگزاری اجتماعات و تظاهرات، تامین حقوق کار، تضمین اشتغال، آموزش رایگان، تامین اجتماعی همه جانبه و فراگیر شامل بیمه‌های درمانی و بیکاری و توسعه کارآفرینی و توانمندسازی گروه‌های کم درآمد جامعه، برابر حقوقی زن و مرد، مقابله با خشونت علیه زنان و تامین حقوق ملی - قومی دفاع می‌کنیم. ۱۷. در سیاست خارجی مواضع اصلی ما عبارتند از: طرفداری از یک سیاست خارجی مستقل مبتنی بر صلح و دوستی میان ملت‌ها و عدم تعهد به پیمان‌های نظامی در سطح جهان. مخالفت با دخالت‌ها و تعرضات سیاسی و نظامی از سوی قدرت‌های خارجی در امور داخلی ایران. تلاش و مبارزه برای ایجاد صلح و منع سلاح‌های کشتار جمعی در سطح منطقه و جهان و حمایت از مبارزات آزادیخواهان و عدالتجویان در سراسر جهان. ۱۸. ایران با یک بحران بزرگ زیست محیطی روبروست. از یک سو، منابع طبیعی، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، تالاب‌ها و آب‌های زیرزمینی رو به خشکی و کشاورزی و دامداری رو به نابودی است و از سوی دیگر، انواع آلودگی‌های زیست محیطی، به ویژه آلودگی هوا حیات مردم را به طور فزاینده‌ای با خطرات جدی مواجه کرده است. برای خروج از این بحران، ایران به اقدامات بنیادین نیاز مند است که در مرکز آن، تغییر الگوی توسعه و استراتژی صنعتی است. **پیشنهاد شماره دو** = رفقا بهروز خسروی، سیروس، فرید، مهدی، منصورادامه تلاش برای وحدت چپ‌رای پاسخگویی به تلاش‌های تا کنونی نیروهای شرکت کننده در پروژه وحدت چپ و دستاوردهای آن، نیروهای این پروژه با احساس مسئولیت نسبت به شرایط که در آن قرار داریم، در طول یک زمان مشخص چند ماهه، مذاکرات چهارجانبه را ادامه دهند و تلاش کنند تا زمان رسیدن به کنگره وحدت که بر مبنای پلاتفرمی (منشوری) از اشتراکات این نیروها تشکیل می‌شود، برای موارد مهم مورد اختلاف، به راه‌حل‌های مورد توافق نیروهای این پروژه دست یابند و با توافق، تدوین برنامه، اساسنامه و انتخاب نام سازمانی و تاکتیکی‌های سیاسی را به سازمان آتی مشترک به سپارند. **پیشنهاد شماره سه** = رفیق علی جلال‌تقدیم به کنگره میان‌دوره (دوازدهم) قطعنامه پروژه ای که زیر نام "شکل دهی تشکل بزرگ چپ" از سال ۲۰۰۸ آغاز شد، همیشه با کندی ادامه می‌یافت. کنگره‌های پیشین ما زاین کندی‌ها انتقاد کرده، قطعنامه‌هایی در زمانبندی آن، با هدف سرعت بخشیدن به آن، تصویب نمود. کنگره یازدهم، خواهان سرانجام یافتن این "پروژه" در مهلت

تنظیم شده در «نقشه راه» (خرداد ۱۳۹۴) گردید. کنگره کنونی (فوق العاده) سازمان ما، با بررسی روندهای تاکنون طی شده، اسناد، منشورها و...؛ به این نتیجه می‌رسد که ادامه پروژه «شکل دهی تشکل بزرگ چپ» ممکن نبوده و پایان آنرا اعلام می‌دارد. کنگره اعلام می‌کند که وظیفه اصلی سازمان ما شرکت فعال در مبارزات مردم ایران برعلیه جمهوری اسلامی استعلی جلال **پیشنهاد شماره چهار** = رفیق رحمانادامه تلاش برای وحدت چپ و وحدت سازمانی در حال حاضر راه حل نجات این پروژه و حفظ وحدت سازمانی آن است که نیروهای شرکت کننده با احساس مسئولیت نسبت به وضعیتی که در آن قرار داریم برخورد کنند. پیشنهاد می‌کنم که

طرفین وحدت را به پایبندی به توافقات اولیه دعوت می‌کنم

در طول یک زمان مشخص مذاکرات چهار جانبه را ادامه دهیم

اشتراکات تا کنونی را مبنای یک پلاتفرم برای برگزاری کنگره مشترک قرار دهیم

تلاش کنیم تا زمان رسیدن به کنگره وحدت، برای موارد مهم مورد اختلاف چه در درون سازمان و چه در مذاکرات با جریانان دیگر راه‌حلهائی برای توافق پیدا کنیم

کنگره ما اعلام می‌کند که برای وحدت نهائی چهار جریان تامین مبارزه با کلیت و تمامیت جمهوری اسلامی و داشتن یک برنامه عمل مشخص برای مشارکت عملی در مبارزات مردم کشورمان مهم تصمیم گیرنده است. **پیشنهاد شماره پنج** = رفقا محمود، جمشید، کامبیز قطعنامه کنگره فوق‌العاده سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران درباره پروژه «شکل دهی تشکل بزرگ چپ» چنان که در فراخوان مشترک برای «مشارکت در روند شکل دهی تشکل بزرگ چپ» آمده بود که بعد از اتمام روند بحث و گفتگو و تدوین اسناد، «فعالین چپ و سازمانها با توجه به حاصل کار جمعی، خود در مورد وحدت چپ و شرکت در سازمان واحد تصمیم خواهند گرفت» و اکنون که روند پیش بینی شده در فراخوان به پایان رسیده و حاصل کار جمعی در اختیار سه سازمان و کنشگران چپ شرکت کننده در این پروژه قرار گرفته است و همچنین از آنجا که آخرین کنگره ما نیز کمیته مرکزی را موظف کرده بود که این پروژه را در مهلت تنظیم شده در «نقشه راه» پیش برده و سرانجام آن را روشن نماید، کنگره فوق‌العاده سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران در ماه ژوئن ۲۰۱۵ (خرداد ۱۳۹۴) به منظور تصمیم گیری در این مورد برگزار گردید. این کنگره پس از بحث و بررسی در این باره، قرار زیر را تصویب کرد:

انتشار فراخوان و اقدامات متعاقب آن، طی دو سال گذشته را گامی مثبت در راستای دیالوگ و همگرایی بخشی از نیروهای چپ ایران ارزیابی کرده و تلاش‌های همه دست‌اندرکاران و شرکت کنندگان در این راه را ارج می‌نهد.

تهیه و ارائه چهار منشور در زمینه نظری- برنامه‌ای و استراتژی سیاسی، دو طرح ساختاری و اساسنامه‌ای و همچنین فهرست اشتراکات و اختلافات نظری و سیاسی، «حاصل کار جمعی» این پروژه و دستاوردی برای مجموعه نیروهای شرکت کننده در آن محسوب می‌شود. همانطور که گردهم آئی گروهی از کنشگران چپ و مشارکت جمعی موثر آنها در این روند نیز تجربه‌ای تازه به حساب می‌آید.

به رغم همه زحمات و کوششهای فعالان پروژه، تدوین «مبانی نظری، سیاسی و ساختاری» و یا تنظیم یک «منشور موسسان» به گونه‌ای که بتواند سیمای آن «سازمان واحد» را به روشنی ترسیم و پراتیک موثر آن را تضمین کند، میسر نگردید. اشتراکات موجود در میان نیروهای شرکت کننده برای «شکل دهی تشکل بزرگ چپ» کافی نبوده و اختلافات عمده بر جای مانده مانع از شکل گیری آن است. از این رو تشکیل «کنگره مشترک» هم منتفی بوده و تداوم این پروژه معین، به ترتیبی که تا کنون طی شده است، دیگر امکان پذیر نیست.

از آنجا که پراکندگی چپ همچنان به عنوان معضل اساسی پابرجا است، و با توجه به این که تلاش در جهت همگرایی و وحدت نیروهای چپ سوسیالیست همواره یکی از اهداف و سیاستهای سازمان ما (که خود حاصل دو وحدت است) بوده و هست، کمیته مرکزی موظف است که با بهره‌گیری از تجارب و دستاوردهای حاصله از این روند، پروژه مشخص دیگری را در این زمینه تهیه و ارائه کند. چارچوب کلی طرح منشوری که با شش امضاء عرضه شده است، می‌تواند مبادا و مبنای مناسبی برای بحث و گفتگو در جهت تدوین چنین پروژه‌ای باشد. **پیشنهاد شماره شش** = رفیق حماد (این پیشنهاد مورد الحاقی به بند چهارم پیشنهاد شماره پنج است) اساس منشور وحدت بر مبنای استراتژی سیاسی نفی کلیت رژیم و تمامیت حاکمیت جمهوری اسلامی به عنوان مانع اساسی هرگونه روند دمکراتیک در جامعه ایران قرار

دارد. که مورد تأیید منشور شش امضاء، منشورهای پیشنهادی رفقا نادر و رسول، و همچنین نظر رفیق فرید (آخرین گزارش از مذاکرات ایشان با دو رفیق امضاء کننده منشور سه امضاء) می‌باشد.